



درسنامه‌ی درس: اول

تماشاخانه

معنی لغات

تماشاخانه: جایی که در آن چیزی نمایش داده می شود	عجیب: شگفت آور، غریب	سربه فلک کشیده: بسیار بلند، مرتفع
سرشار: لبریز، پر	تماشاگه: محل تماشا	تامل: اندیشه، درنگ
شگفتی ها: عجایب	درنگ: توقف، سکون	عالمان: دانایان
پدیده: نوظهور	مقایسه کنیم: بسنجیم	کردار: عمل، رفتار
گوارا: مطبوع، دلچسب	نگاشته: نوشته	آفرینش: به وجود آوردن
شکننده: ظریف و نازک	سر در می آورند: می رویند	هیس: ساکت
توصیف: وصف کردن	مخملی: نرم و ملایم	سرزده: بی خبر

واژه های املائی

سرشار از شگفتی - پدیده های لطیف - عجیب - سادگی - تماشاگهی - بیندیشم - عمیق - گل و خار - عادت - موضوع - سنگلاخ - محکم - دعوت - حلقه - تالاب - چطور - عنکبوت - صبحگاهی

کلمه های هم خانواده

لطیف: لطافت، الطاف	عجیب: عجایب، متعجب	آفرینش: آفریده، آفریدگار	مقایسه: قیاس، مقیاس	عمیق: اعماق، عمق
--------------------	--------------------	--------------------------	---------------------	------------------

تمام پدیده ها و آفریده های خدا، نظم دارند و تمام موجودات در حقیقت، ستایشگر خدا هستند. انسان خردمند با دیدن این همه پدیده، به عظمت خدا پی می برد

پیام
درس

لطفیف: خشن	درنگ: عجله	ساده: دشوار	پاکی: ناپاکی
نرم: زبر	زمین: آسمان	روشنایی: تاریکی	گرما: سرما

❖ **متضاد(مخالف):** به کلمه هایی گفته می شود که از نظر معنی، باهم مخالف هستند.

❖ مثال: بالا: پایین جوان: پیر

❖ **حروف ربط:** کلمه هایی که به تنهایی معنای کاملی ندارند ولی برای وصل کردن دو جمله، به کار می روند.

❖ حروف ربط عبارتند از: تا، اگر، اگر چه، زیرا، وقتی که، چون، سپس، بعد، چو، اما، ولی

❖ **نکته:** چو و چون در صورتی نشانه ربط هستند که به معنی (زمانی که)، (وقتی) و (اگر) به کار بروند.

❖ مثال: چو ایران نباشد تن من مباد ← اگر یا زمانی که